یادداشت

«شاید» و «باید» تصمیم‌گیری

ادامه از صفحه اول

... از تمدن‌های بین‌النهرین و جاده ابریشم تا یک کمربند یک راه. از تودرتویی بازارها و مراکز مالی و اقتصادی و کریدورها تا میلیون‌ها کیلومتر فیبر نوری و اینترنت جهانی تا شبکه‌های عظیم اجتماعی و نهادها و بنیادهای سیاسی و اجتماعی و ورزشی جهانی و ازجمله مهم‌ترین آنها یعنی جام جهانی فوتبال که فینال آن در همین دو روز قبل دل جهانیان را تسخیر کرده بود -به‌جز البته شاید دل بسیاری از ایرانیان مضطرب و نگران از آینده خود و سرزمین و درد و رنج مردم عزیز جنوب کشورشان - جز در قالب مفهوم «ارتباط» نمی‌گنجد. آنچه امروز در ادامه تجاوزگری‌های یک سال اخیر بر میهن‌مان می‌گذرد، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان نه‌فقط حمله به مراکز نظامی و امنیتی، بلکه قطع‌کردن «ارتباطات» و فروپاشی نظام و منطق تصمیم‌گیری‌هاست. بمباران پل‌ها و مسیرهای مواصلاتی و تأسیسات خدماتی که شریان‌های اقتصادی و لجستیکی کشور و پایداری اجتماعی‌اند و زنجیره تأمین و انتقال کالا (از بنادر جنوبی به سایر نقاط کشور و نیز در مسیر اوراسیا، چین، اروپا و...) بر بستر آنها شکل می‌گیرد، همه در مسیر کاهش تاب‌آوری اقتصادی و روانی جامعه و افزایش تضادها و شکاف‌هاست. اقتصادی که بیش حدود یک‌ونیم دهه است که جز دو، سه سال زیر فشار تحریم‌های بسیار سنگین بین‌المللی قرار داشته و شاخص‌های اقتصادی آن همچون تورم، رشد اقتصادی، بی‌کاری، فقر و... مدت‌هاست به مرز هشدار رسیده است (تورم ۸۸.۶ درصدی ماه گذشته و رشد اقتصادی منفی ۰.۷ درصدی و ایجاد کمتر از یک میلیون شغل خالص در چهار سال اخیر و جمعیت کثیر زیر خط فقر و ۸۷ میلیون نفر کالابرگ‌بگیر و...) اکنون با محاصره و جنگ نیز دست‌به‌گریبان است تا سه‌گانه تحریم، محاصره و جنگ شکل بگیرد و فشارها و محدودیت‌ها و نااطمینانی‌ها بیش از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر بر مردم این سرزمین آوار شود. متوقف‌کردن این روند خطرناک نیازمند درایت بالا و اتخاذ تصمیم‌های سخت است. همچنان که در فرایند انجام تفاهم اخیر شاهد آن بودیم؛ تفاهمی که به اعتقاد کارشناسان، تا ۷۰ درصد به نفع میهن و یک پیروزی برای دیپلماسی کشورمان بود (محاصره دریایی ایران پایان یافت، فروش نفت ایران برای دوره ۶۰روزه از تحریم خارج شد، انتقال درآمدهای حاصل از فروش نفت مجاز شناخته شد و همچنین مقرر شد بخشی از دارایی‌های مسدودشده ایران آزاد شود- مرعشی ۴/۲۷) و طبعا کارشکنی‌های بسیاری را برانگیخت. آن‌چنان که حتی معاون رئیس‌جمهور آمریکا از «وجود یک کارزار نفوذ خارجی که با هدف شکست مذاکرات ایران و آمریکا تأمین مالی شده است» سخن گفت. سخنی که متأسفانه در داخل به جای استقبال و بهره‌برداری از آن برای احیای این تفاهم (که با چند اشتباه تاکتیکی آمریکایی‌ها با مشکل مواجه شده بود- همان)، با تحلیل‌های غریبی مواجه شد: «نباید فریب تفکیک‌سازی ونس را خورد... کفر آمریکایی همیشه اختلافاتی در منافع دارد ولی آنگاه که مقابل ملت‌های دیگر می‌ایستد، وحدتی ایمانی پیدا می‌کند (ونس، جنگ، مذاکره و اشتباه احتمالی ایرانیان- جوان- ۱۴۰۵/۴/۲۷). مخالفت با غرب و کفر و ایمانی کردن مناسبات با آمریکا، اگرچه ماجرایی طولانی دارد و مبنای هویتی و ایدئولوژیک یافته، اما در شاید یکی، دو دهه اخیر با گره‌خوردن با منفعت‌های فردی و گروهی، جریانی ضد توسعه را شکل داده است. جریانی که افزایش هزینه‌های اقتصادی و سیاسی ناشی از تداوم تنش‌ها کمتر جایی در محاسباتشان دارد و هزینه‌های لازم برای کسب استقلال و ادامه مقاومت عنوان می‌شود. درحالی‌که ادامه تنش‌ها و شرایط تحریمی و محدودیت‌های تجاری، شبکه‌هایی غیررسمی از مفاسد و انحصارات ایجاد می‌کند که علاوه بر ضربات جبران‌ناپذیر به اقتصاد ملی و توقف توسعه، منابع ملی را در قالب رانت‌هایی عظیم به جیب افراد و گروه‌های خاص سرازیر می‌کند و نظام حکمرانی را در مقابل جامعه قرار می‌دهد. این در حالی است که در همین روزهای هرچه محصورترشدن اقتصاد ایران و اوج‌گیری تنش‌ها و درگیری‌های کشورمان با آمریکا، بسط و گسترش تعاملات و ارتباطات اقتصادی کشورهای اطراف‌مان با این کشور را شاهدیم. سفر نخست‌وزیر نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای و شاید جهانی ایران یعنی عراق، به واشینگتن و امضای ۴۸ توافق و تفاهم‌نامه با بزرگ‌ترین کمپانی‌های آمریکایی ازجمله اکسون‌موبیل، کی‌بی‌آر، شل و هالیبرتون و حتی استارلینک با بسط همکاری دیگر متحدان منطقه‌ای کشورمان یعنی ترکیه، پاکستان، قطر، عمان و... در همین روزها با آمریکا، جای تأمل و بازنگری در راهبردهای سیاسی و اقتصادی میهن‌مان با غرب و آمریکا را دارد. مسیری که تاکنون متأسفانه کمتر توفیقی در ایجاد ثبات و رفاه برای شهروندان به بار آورده و تداوم آن می‌تواند خطراتی جدی برای میهن‌مان در بر داشته باشد. اگر منفعت افراد و جریان‌های در داخل و خارج از کشور در عدم ارتباط و ایجاد شاید و اما و اگر و بن‌بست در تصمیم‌گیری برای بهبود مناسبات داخلی (تضاد حکومت و مردم و فروپاشی اجتماعی) و روابط خارجی و بین‌المللی است، منافع ملی در ارتقای خرد جمعی و کاهش تضادها و ارتباط است. ارتباطی که زنجیره‌ای از تأمین و تضمین آزادی‌ها و حق انتخاب شهروندان و اصلاح رابطه نظام حکمرانی با جامعه تا بهبود روابط با همسایگان و قدرت‌ها و قطب‌های سیاسی و اقتصادی و نهادهای بین‌المللی را در بر می‌گیرد و اراده سیاسی لازم برای صلحی شرافتمندانه و آشتی و انسجام ملی را فراهم می‌آورد: «اینک بیش و پیش از هر چیز مردم به‌خصوص نظام حکمرانی باید به اصلاح ایران و ملت با همه تفاوت‌ها و تنوع‌هایش بیندیشد و مراقب باشند که فرصت‌های ارزنده توافق از دست نرود و خدای ناخواسته به تهدید مبدل نشود، امری که با کمال تأسف بارها در گذشته شاهد موارد مشابه آن بودیم» (سیدمحمد خاتمی، ۱۴۰۵/۴/۲۳).

از تنش تا بازاندیشی

ادامه از صفحه ۲

این راست است که اروپا تا حد ممکن سیاست خود را بر فشار حداکثری بر ایران استوار کرد، اما آثار جنگ نابخردانه ترامپ علیه ایران و شکاف نسبی میان آمریکا و اروپا و رهاشدن و تنهایی اروپا در جنگ اوکراین و در مقابل روسیه و آثار منفی اقتصادی آوارشده بر سر اروپایی‌ها که شهروندانش به رفاه و کافه‌نشینی و... می‌اندیشند نیز می‌تواند گویای آن باشد که اروپا آگاهانه برای ایجاد جنگ برنامه‌ریزی نکرده است، اما سیاست‌های ناشیانه و غلط آنان احتمالا کمک مؤثری در آغاز جنگ داشته است؛ چراکه در جهان به‌هم‌ریخته کنونی یا به‌هم‌پیوسته دوران معاصر، هر اقدامی از سوی هر کشوری می‌تواند بر سایر نقاط جهان اثر و آثار مثبت یا مخرب خود را داشته باشد و رفتار اروپا و سیاست‌های آنان علیه ایران، نزد افکار عمومی و کشورهای جهان و منطقه و بروز این جنگ با این آثار گسترده، حتما تأثیرگذار بوده است. البته نگاه متوهمانه‌ای هم از سوی برخی خیال‌پردازان ناآشنا با واقعیت‌های پیچیده جهان، در برخی گوشه و کنار وجود دارد که گفته‌اند اروپا با این اقدامات و تشویق و تحریک خود درصدد واردکردن ترامپ به جنگی بوده است تا او تضعیف شود و دست از سر اروپا و تعرفه‌ها و گریلند و کانادا و اتحادیه بردارد که این نیز چیزی جز یک خواب آشفته و تخیل عوامانه نمی‌تواند باشد.

اگر بپذیریم که اروپا در مقام جاده‌صاف‌کن یا فراهم‌کننده زمینه‌های سیاسی و حقوقی برای جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه عمل کرده است، آیا همچنان می‌توان روی احیای روابط با اروپا حساب باز کرد؟ هرچند در دیپلماسی مفهوم «اعتماد» به معنای رایج آن وجود ندارد، اما در شرایط کنونی چه مبانی و منافعی می‌تواند دو طرف را به سمت ترمیم روابط سوق دهد؟ ضمنا مسکو تا زمان تداوم جنگ اوکراین، پارامتر تعیین‌کننده‌ای در ترسیم روابط ایران و اروپا نخواهد بود؟

درست گفتید و بحثی روشن و کاملا عیان است که در دیپلماسی، مفهوم اعتماد هیچ منزلت و جایگاهی ندارد. این موضوع در میان کشورهایی که مستقل هستند و بوده‌اند، هیچ‌گاه اعتباری نداشته است و نخواهد داشت. بسیار گفته‌اند و شنیده‌ایم و من و شما نیز حتما بر این امر واقف و آگاهیم که در عرصه سیاست و دیپلماسی هرگز هیچ دوست دائمی یا دشمن همیشگی وجود ندارد. تاریخ جهان پر است از نمونه‌ها و مثال‌های بسیار. اگر حافظه تاریخی ما درست به تاریخ دوران معاصر و حتی گذشته‌های دورتر بنگرد، در عرصه جهانی، با وجود اتحادیه‌ها یا سازمان‌های همکاری یا همبستگی منطقه‌ای، هر کشور و دولتی در مرحله نخست به تمامیت ارضی، حاکمیت و منافع ملی و توسعه و رفاه ملت خود می‌اندیشد؛ تا آنجا که ظرفیت‌ها و داشته‌ها و استقلال و چگونگی رابطه آنها با ملت خود اجازه می‌دهد. شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و تحولات گوناگون اثرات خاص خود را می‌تواند در هر برهه تحمیل کند، اما هدف غایی همگان در جهان امروز، علی‌رغم وابستگی‌ها و زیست در جهانی به‌هم‌پیوسته، همان است که به آن اشاره کردم. اروپا، همان‌گونه که قبلا توضیح داده‌ام، نسبت به ایران خطاهای جبران‌ناپذیری داشته است، به‌خصوص در سال‌های اخیر و ما هم نتوانستیم و آن میزان چابک و آماده جلوگیری از اقدامات نابخردانه و مسموم آنها نبودیم تا آنان را از کج‌راهه و بیراهه به راه آوریم و متأسفانه روزبه‌روز عمق بی‌اعتمادی و حتی خصومت و سردی در روابط و تقابل افزایش یافت. اما ما در چند قرن گذشته، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر هر کدام، همکاری‌های بی‌نظیر بسیاری هم داشته‌ایم، در همه عرصه‌ها و از آن دوران و در همین چند دهه اخیر هم یادگارهایی از این نوع همکاری‌ها در مقابل چشم تمامی ماست. همه این همکاری‌ها در شرایطی صورت پذیرفته که تفاوت و عدم اشتراکات فرهنگی و تاریخی بین دو طرف نیز حاکم بوده است. در جهان به‌هم‌پیوسته و وابسته و درهم‌آمیخته، کشورهایی که در جهت ارتقای جایگاه خود و صیانت از منافع ملی و توسعه اقتصادی خود هستند، برای درازمدت بر یک نگاه یا نکته‌های تاریک متعددی که دوران آن سر آمده است، نمی‌ایستند و منافع اکنون و آینده خود را در گرو گذشته دور نمی‌گذارند و بهنگام و با حفظ حرمت خود و ایستادن بر اصول حاکم بر عقاید و قوانین خود و از سر اقتدار ملی، مواضع و روش‌های مقتضی و مطلوب و سازگار با اهداف خود را پی می‌جویند. لذا در گذر زمان باید بهنگام بر زخم‌های دیرین مرهم نهاد و آینده دیگری را ترسیم کرد و پی گرفت و این اقدام، بی‌شک از دل منافع ملی و مصلحت و حکمت یک ملت نشئت می‌گیرد. شما شاید نبودید یا به یادتان نیاید و در خاطرتان نباشد، تا اواسط دهه ۶۰، در کنار «مرگ بر آمریکا» و «اسرائیل» و «صدام»، «مرگ بر شوروی» هم گفته می‌شد. درست در زمان جنگ تحمیلی، شوروی یکی از تأمین‌کنندگان تسلیحات رژیم صدام بود و میگ‌های شوروی و موشک‌های اسکاد آنها بود که در کنار میراژهای فرانسوی، ایران را هدف قرار می‌دادند. اما در مقطعی که لازم شد، برای عادی‌سازی و ارتقای روابط تلاش بسیاری شد. حتی بر دیوارهای سفارت شوروی، یعنی همین سفارت فعلی روسیه در خیابان حافظ، شعارهایی علیه سیاست‌های شوروی نوشته شده بود. نهایتا این شعارها پاک شد و گفتن آن شعار هم قطع شد و در همان دوران اتحاد شوروی، مرحوم هاشمی‌رفسنجانی با توجه به جایگاه خود، در سفری به مسکو مورد استقبال رهبری اتحاد شوروی قرار گرفت و قراردادهای مهمی هم میان دو کشور منعقد شد و حالا مدت‌هاست سخن از روابط راهبردی میان دو کشور مطرح است و تماس‌ها و همکاری‌های گسترده‌ای میان دو کشور وجود دارد. یا عراق را تصور کنید؛ هشت سال جنگ و بعد از آن، در همان دوران صدام، ارتباطات دو کشور و برخی همکاری‌ها آغاز شد و بعد از سقوط صدام، دوستی و همکاری گسترده‌تر شد و امروز روابط دو کشور همسایه در سطح بالایی ارزیابی می‌شود و فراموشی ایام دوران جنگ. یا قطع رابطه میان ایران و عربستان و بعد ارتباط مجدد با تغییر شرایط. یا روابط ایران و لندن و بعد از آن چند بار قطع رابطه، برقراری مجدد روابط. در جهان هم موارد بسیاری را می‌توان برشمرد. به ویتنام و رابطه آنها با آمریکا بعد از جنگ بنگرید؛ آن جنگ ددمنشانه و آن همه کشتار و نابودشدن ویتنام و پس از جنگ، آغاز روابط و شروع همکاری‌های گسترده اقتصادی آنها با یکدیگر. پس دوست همیشگی و دشمن همیشگی وجود ندارد. اما تجربه نشان می‌دهد که در دوران معاصر، استمرار دوستی‌ها و همکاری‌ها بیش از دشمنی و خصومت‌هاست.

یکی از مباحثی که پس از حمله آمریکا به ایران مطرح شد، احتمال واکنش منفی واشینگتن به عدم همراهی کامل برخی کشورهای اروپایی از طریق سازوکارهای ناتو بود. آیا دولت ترامپ ممکن است از ابزارهایی مانند فشارهای امنیتی مالی یا کاهش تعهدات دفاعی در ناتو برای وادارکردن اروپا به همراهی بیشتر در پرونده ایران استفاده کند؟ و چنین روندی چه پیامدهایی برای آینده اتحاد فراآتلانتیک و امنیت اروپا خواهد داشت؟

اقدام کشورهای اروپایی و ناتو در خودداری از همراهی و مشارکت در جنگ نابخردانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، یک شوک جدی و حرکتی غیرمنتظره برای ترامپ محسوب می‌شود که باورپذیری آن برای آمریکای ترامپ بسیار دشوار می‌نمود. ترامپ تمام سعی خود را برای جذب این کشورها و واردکردن آنها در صورت ادامه تنش خصمانه خود علیه ایران به کار خواهد برد. اما زمان زودتر از آنچه تصور کنیم در گذر است و قرار نیست ترامپ برای همیشه در قدرت باقی بماند و هر تصمیم یا اقدامی که علیه اروپا یا برخی کشورهای اروپایی، مانند اسپانیا، به‌خاطر مواضع شفاف نخست‌وزیر آگاه آن کشور علیه حمله و آغاز جنگ علیه ایران، در مقابله با سیاست‌های ترامپ اتفاق افتاد و علی‌رغم سردی روابط فعلی آنها یا به فرض آنکه آمریکا در شکل و سطح روابط و همکاری‌ها با اسپانیا تغییراتی ایجاد کند، نهایتا همه این تلاش‌ها اقداماتی ابتر و کوتاه‌مدت تلقی می‌شود؛ چراکه با خروج ترامپ، در نهایت شرایط نو می‌شود و این وضعیت به پایان می‌رسد. فرانسه و آلمان هم به صراحت در ۲۰۰۳ با سیاست جنگی و حمله آمریکا به عراق مخالفت کردند و به آن ائتلاف نپیوستند و تحت فشارهای آمریکا و برخی محدودیت‌ها قرار گرفتند و تا حدی بهایی برای استقلال رأی خود از آمریکا را دادند، اما با گذر زمان و تغییر شرایط، وضعیت به حالت ماقبل این تنش بازگشت. آنها نیز در آن دوران معتقد بودند عراق سلاح‌های کشتارجمعی ندارد و ارتباطی با القاعده ندارد و صدام یک فرد لائیک به حساب می‌آید، اما دیگر کشورهای عضو اتحادیه تحت فشار آمریکا به این ائتلاف پیوستند و حالا در این دوران، نخست‌وزیر اسپانیا به دروغ و مکر آمریکا و فریبی که برای آن همراهی خورده‌اند، لب به اعتراف و اعتراض می‌گشاید. آن جنگ تجربه‌ای برای اروپا شد که این بار علیه ایران وارد جنگ و کمک به آمریکا در صحنه نظامی نشوند. به هر حال، در عین روابط راهبردی اروپا و آمریکا، همواره و به‌خصوص به‌طور شفاف‌تر ترامپ سعی در تضعیف و تحقیر اروپا داشته است. آمریکا با تقویت اتحادیه اروپا و یورو مخالف است و در این هنگامه حمله به ایران، با زبان سخیف و غیرمتعارفی رهبران اروپایی را مورد توهین قرار داد و آنها را تهدید کرد، در شکل‌های مختلف. آمریکا حتی در دوره بایدن که روابط ظاهرا آرام‌تری با اروپا داشت، با بهره‌گیری از مسئله اوکراین سعی در تضعیف اروپا و وابسته‌ترکردن آنها به آمریکا کرد. ادعای ترامپ در مورد گرینلند و بی‌احترامی به سران اروپایی در بیان‌های علنی، در تاریخ روابط سیاسی این دو متحد بی‌سابقه است، اما اروپای ضعیف‌شده نیز راه مقابله و بهره‌گیری از فرصت‌ها و صبر را برای صیانت از ارزش‌های اروپایی خود تا حدی که بتواند، دنبال می‌کند. اکنون نیز آنان بی‌صدا، اما صبور و بدون کلامی علنی، در انتظار پایان کار دوران ترامپ مانده‌اند. بدون تغییر معنی‌دار در شرایط تجاوز آمریکا و اسرائیل، اروپا بر همین مواضع فعلی خود در عدم همکاری نظامی با آمریکا باقی خواهد ماند و این به معنای نزدیک‌شدن آنها به ایران یا قبول مواضع ایران نیز نخواهد بود و آنها با بهره‌گیری از روش‌های سیاسی، فعال‌بودن در حوزه تحریم‌ها و ارائه پیش‌نویس و به تصویب رساندن قطع‌نامه‌ها، در ایجاد فشار بر ایران باقی خواهند ماند و در اینجا دقیقا در کنار آمریکا یا تندتر از آمریکا خواهند بود. البته تمامی این ادعاها مشروط به محدودماندن وضعیت جنگ و تجاوز در این شکل و اندازه فعلی است. اگر وضعیت به وخامت و شدت افزون‌تری بینجامد، امکان برخی جابه‌جایی در مواضع اروپا و اثربخشی فشارهای آمریکا بر اروپا محتمل خواهد بود.

اروپا همواره خود را مدافع حقوق بین‌الملل، چندجانبه‌گرایی و حل‌وفصل دیپلماتیک بحران‌ها معرفی کرده است. با این حال از نگاه بسیاری در ایران، رفتار کشورهای اروپایی در قبال جنگ‌های اخیر با این ادعاها همخوانی نداشته است. آیا می‌توان گفت پرونده ایران بیش از هر زمان دیگری شکاف میان ارزش‌های اعلامی اروپا و عملکرد واقعی آن را آشکار کرده است؟

راست است. اروپا کارنامه قابل قبولی در آنچه ادعا می‌کند و آنچه در عمل بدان متوسل می‌شود، ندارد. اروپای مدعی دارابودن ارزش‌های والای انسانی است. اروپایی که یک کشور مهم آن مانند فرانسه به خود می‌بالید که حقوق و داوری و قانون را به اروپا و جهان عرضه کرده، اروپایی که مدعی است نقش عمده‌ای در ایجاد و دفاع از حقوق بین‌الملل و انواع کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی برای صیانت از حقوق بشر و حقوق و کرامت انسانی داشته و واقعا هم در این وادی در گذشته نقش والایی داشته است، شوربختانه امروز از تمامی این قوانین و مقررات بین‌المللی به‌عنوان یک ابزار سیاسی در روابط خود با کشورها، به نفع خود سود می‌جوید. آنها، علی‌رغم عدم مشارکت خود در تجاوز و جنگ آمریکا علیه ایران، با وجود آگاهی کامل از متجاوزبودن آمریکا و اشغالگران قدس، در برابر آمریکا موضع لازم و کافی و حداقلی برای محکومیت آن دو متجاوز اتخاذ نکردند و در پس هر شدت عملی در میدان نبرد، همواره یک‌سویه از ایران خواستند که به میز مذاکره بازگردد. پرونده استانداردهای دوگانه اروپا در قبال ایران و مسائل غرب آسیا و دیگر نقاط جهان، پرونده‌ای مملو از بی‌عدالتی و یک‌سویه‌نگری ظالمانه و ناعادلانه‌نگری و استانداردهای دوگانه و بهره‌مندی از تمامی داشته‌های بشری در حقوق و مقررات بین‌المللی در جهت اهداف سیاسی خود است و از همین رو است که نقش سازمان ملل و تمامی این قوانین نزد افکار عمومی جهان دیگر ارزش چندانی ندارد.

اگر اروپا واقعا نگران گسترش تنش و بی‌ثباتی در خاورمیانه است چرا در بزنگاه‌های حساس نتوانسته یا نخواسته نقش یک میانجی مستقل را ایفا کند و اغلب در چارچوب محاسبات امنیتی آمریکا حرکت کرده است؟ آیا اساسا اروپا در پرونده ایران از استقلال راهبردی برخوردار است؟

اروپا، به‌خصوص کشورهای حاشیه مدیترانه، از بی‌ثباتی، تنش و افراط‌گرایی نگران و بی‌شک تأثیرپذیرند و افزایش تنش غیرقابل مدیریت موجب نگرانی آنهاست؛ اگرچه تأثیرپذیری و روابط فراآتلانتیکی آن بر چگونگی مواضع آنها اثربخش است و گاهی نقشی تعیین‌کننده پیدا می‌کند. نگرانی از حوادث یک منطقه یا برخی جنگ‌ها تنها عنصری نیست که دیگران را به میانجیگری دعوت کند و هر کشوری نیز صلاحیت و شرایط یک میانجی را ندارد و اصولا کشورهای قدرتمند نمی‌توانند وارد میانجیگری در تخاصمات پیچیده و پر از فاکتورها و عناصر گوناگون ذی‌نفع در آن مخاصمه شوند. بیشتر به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی و عمدتا کشورهای قدرتمندتر اروپایی، در ورود به مسائل به‌صورت جمعی ورود می‌کنند. یک مثال آن، ورود آنها در بحث مناقشه قره‌باغ بود که از طریق سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) پیگیر حل‌وفصل این مناقشه بودند. یا در بحث هسته‌ای ایران، ما شاهد ورود سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان در سال ۲۰۰۳ و استمرار پیگیری آنها بودیم. یا در دهه‌های قبل، در بحث فلسطین و اسرائیل، آمریکا هرگز اجازه ورود اروپا به صحنه سیاسی این موضوع را نداد و اروپا تنها به‌عنوان صندوق مالی در کنار آمریکا قرار داشت. یا در بحث بالکان، علی‌رغم جدیت آنها برای حل بحران که آن را اروپایی و حق خود می‌دانستند نیز کاری از پیش نبردند و آمریکا خود به‌عنوان ناجی نهایی وارد شد و موضوع را پایان داد. آنها در مسائل پراهمیت به‌صورت تنها وارد نمی‌شوند، به‌خصوص اگر دیگرانی نیز در آن ماجرا منافعی داشته باشند. لذا در این‌گونه مناقشات و جنگ‌ها، حضور این کشورها، اگر بخواهند وارد شوند، به‌صورت جمعی و متشکل از یک ائتلاف خواهد بود. علاوه بر اینها، کشور یا کشورهایی که در خود مناقشه کم‌وبیش نقش‌آفرین و یک سوی قضیه بوده‌اند، صلاحیت آنها مخدوش است و مورد قبول قرار نخواهد گرفت. و فراموش نکنیم نوع و مکانیسم‌های حاکم بر روابط اروپا با آمریکای متخاصم و اسرائیل متجاوز را و به یاد آوریم که اروپا یکی از دوره‌های ضعف خود را طی و تجربه می‌کند. اروپای امروز خالی از سیاست‌مداران آشنای ورزیده و شاخص و مؤثر در تحولات جهان است.

برای پرسش پایانی، در سال‌های اخیر اروپا هم‌زمان از یک سو ایران را تحت فشارهای سیاسی و تحریمی قرار داده و از سوی دیگر نسبت به کاهش نفوذ خود در تهران ابراز نگرانی کرده است. آیا این یک تناقض راهبردی نیست که اروپا با محدودکردن کانال‌های تعامل عملا خود را از معادلات ایران کنار گذاشته؟

اروپا در دهه‌های گذشته در قبال ایران دچار اشتباهات فاحش استراتژیک شده و همواره بدون درک دقیق و عمیق از تحولات ایران، بیراهه را راه پنداشته است. البته این مشروط به آن است که اروپا را مستقل در قبال ایران و آنها را دارای حسن نیت بدانیم. در مواقعی که شرایط برای رشد و گسترش روابط و شکوفایی اقتصاد ایران فراهم بوده است، آنها با بهانه‌های خرد و ناچیز از همکاری‌های راهبردی در حوزه اقتصادی و... سر باز زده‌اند. انکار نمی‌توان کرد در دوره‌هایی همکاری‌ها از رشد و شدت بیشتری نسبت به دوران ماقبل آن برخوردار بوده است، اما آنچه باید انجام می‌داده‌اند انجام ندادند و بسیاری از این سکون و پیگیرنبودن در ادامه کار، عمدتا به بهانه تحریم‌های آمریکا و دیگر بهانه‌های بی‌ربط صورت گرفت. در اواخر دهه ۷۰، قرارداد خرید ۳۲ فروند هواپیمای ایرباس نازک‌پیکر و پهن‌پیکر با آنها در پاریس منعقد و وجوهی هم پیش‌پرداخت شد، برای نشان‌دادن جدیت ایران، اما با اینکه دو سال تا انتخابات آمریکا باقی مانده بود، طرف فرانسوی در پیگیری‌هایی که از سوی طرف ایرانی می‌شد، موضوع را به اینکه انتخابات آمریکا نزدیک است و باید با توجه به تحریم‌ها با آنها هماهنگ شویم، احاله کرد و از هر اقدامی سر باز زدند و بعدها با آمدن دولت دیگری در ایران، قرارداد را یک‌طرفه نقض کردند. مثال‌ها در مورد عدم استفاده از فرصت‌های مناسب در ایران برای همکاری بسیار است و در بحث هسته‌ای و دیگر مباحث هم. چه در بحث طرح ماشه و چه دیگر مسائل مرتبط با ایران، علی‌رغم هشدارهای بسیار که راهی به جایی نخواهند برد جز تخریب بیشتر روابط، وضعیت فعلی را رقم زده‌اند.

فراخوان مناقصه یک مرحله ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) احداث دیوار پیش ساخته بتنی پیرامونی نیروگاه خورشیدی ساوه – نوبت اول

PPI پتروپارس ایران

شرکت پتروپارس ایران (سهامی خاص) در نظر دارد اجرای عملیات " احداث دیوار پیش ساخته بتنی پیرامونی نیروگاه خورشیدی ساوه " را از طریق مناقصه یک مرحله ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.
بر این اساس، از کلیه شرکت های دارای رتبه چهار و بالاتر رشته ساختمان و ابنیه درحوزه پیمانکاری سازمان برنامه و بودجه دعوت می‌شود جهت شرکت در فرآیند مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ نسبت به ثبت نام و دریافت اسناد مناقصه/ اسناد ارزیابی در سامانه معاملات شرکت پتروپارس به نشانی Tender.ppars.com اقدام نمایند.
شرایط مورد نیاز:
مبلغ برآورد اولیه: ۹۲۹,۹۱۴,۹۰۹,۳۶۷ (نهصد و بیست و نه میلیارد و نهصد و چهارده میلیون و نهصد و نه هزار و سیصد و شصت و هفت) ریال.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - چهل و پنج میلیارد (ریال) ضمانتنامه بانکی (کلیه بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و موسسات مالی و اعتباری).
نحوه پیشنهاد قیمت : پیشنهاد بصورت پلوس یا مینوس نسبت به مبلغ برآورد، حداکثر ضریب پیشنهادی پلوس مورد تایید ۱.۲ و حداقل ضریب پیشنهادی ۰.۸می باشد.
میزان پیش پرداخت: ۱۰ درصد مبلغ قرارداد در قبال ارائه ضمانتنامه بانکی مورد پذیرش شرکت پتروپارس ایران (کلیه بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و موسسات مالی و اعتباری) مطابق اسناد مناقصه.
میزان (درصد) و نوع تضمین انجام تعهدات : ۵ درصد مبلغ کل قرارداد در قالب ضمانتنامه بانکی معتبر (کلیه بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و موسسات مالی و اعتباری).
میزان (درصد) کسورات حسن انجام کار : ۱۰ درصد کسر از هر صورت وضعیت.
مدت قرارداد: ۳ ماه شمسی. این قرارداد فاقد تعدیل می باشد.
محل انجام کار : استان مرکزی شهرستان ساوه
سایر شرایط: پس از ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و مشخص شدن فهرست کوتاه مناقصه گران، صرفاً پاکت‌های پیشنهاد مناقصه‌گرانی گشایش می‌یابد که براساس بررسی و ارزیابی «کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌های گروه پتروپارس»، حداقل ۶۰ امتیاز از مجموع ۱۰۰ امتیاز ارزیابی و حداقل ۴ امتیاز از مجموع ۱۰ امتیاز بخش HSE را کسب کرده باشند و نام آن‌ها در فهرست شرکت‌های ممنوع‌المعامله یا فهرست سیاه صنعت نفت و گروه پتروپارس درج نشده باشد. پاکت پیشنهاد مناقصه‌گرانی که هریک از شرایط فوق را احراز نکرده باشند، بدون گشایش و به‌صورت لاک‌ومهرشده، مطابق ضوابط مناقصه به آنان مسترد خواهد شد.
برخی نکات مهم:
هزینه درج آگهی در روزنامه بر عهده برنده مناقصه می باشد.
شرکت کنندگان نباید در لیست سیاه شرکت ملی نفت، گروه پتروپارس و ... قرار داشته باشند.
توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل فرمها ، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی باشد و ارائه مدارک ارزیابی و عدم تایید صلاحیت، هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
شرکت پتروپارس ایران در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکتها، تجدید و لغو مناقصه، بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است. بدیهی است حق هر گونه ادعا در این خصوص از مناقصه گران سلب می گردد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۲۹۴۴۳۱۶۰-۲۹۴۴۳۰۷۸-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی و امور بین الملل گروه پتروپارس

فراخوان مناقصه یک مرحله ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) تأمین غذا و میوه پرسنل سایت پروژه پتروشیمی دهدشت–نوبت اول

PPI پتروپارس ایران

شرکت پتروپارس ایران (سهامی خاص) در نظر دارد اجرای عملیات " تأمین غذا و میوه پرسنل سایت پروژه پتروشیمی دهدشت" را از طریق مناقصه یک مرحله ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.
بر این اساس، از کلیه شرکت های معتبر دعوت می‌شود جهت شرکت در فرآیند مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ نسبت به ثبت نام و دریافت اسناد مناقصه/ اسناد ارزیابی در سامانه معاملات شرکت پتروپارس به نشانی Tender.ppars.com اقدام نمایند.
شرایط مورد نیاز:
مبلغ برآورد اولیه: ۷۶۳,۱۹۱,۲۳۰,۵۳۱ (هفتصد و شصت و سه میلیارد و یکصد و نود و یک میلیون و دویست و سی هزار و پانصد و سی و یک) ریال.
شامل بخش الف) حقوق و دستمزد : ۱۱۰,۷۵۰,۳۴۳,۰۱۴ ریال و ب) تامین غذا، میوه و اقلام مصرفی : ۶۵۲,۴۴۰,۸۸۷,۵۱۷ ریال.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - چهل میلیارد (ریال) ضمانتنامه بانکی (کلیه بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و موسسات مالی و اعتباری).
نحوه پیشنهاد قیمت : الف) حقوق و دستمزد : حداکثر ضریب پیشنهادی پلوس مورد تایید ۱.۰۵ و حداقل ضریب پیشنهادی ۱ می باشد.
ب) تامین غذا، میوه و اقلام مصرفی : حداکثر ضریب پیشنهادی پلوس مورد تایید ۱.۲ و حداقل ضریب پیشنهادی ۰.۸می باشد.
میزان پیش پرداخت: ۱۰ درصد مبلغ قرارداد در قبال ارائه ضمانتنامه بانکی مورد پذیرش شرکت پتروپارس ایران (کلیه بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و موسسات مالی و اعتباری).
میزان (درصد) و نوع تضمین انجام تعهدات : ۵ درصد مبلغ کل قرارداد در قالب ضمانتنامه بانکی معتبر (کلیه بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و موسسات مالی و اعتباری).
میزان (درصد) کسورات ح